

گسترش فضایی شهر و تغییر کاربری زمین در روستاهای پیرامونی شهرسندج؛ طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۵۵

حامد قادرمزی - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه کردستان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۵/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۱۸

چکیده

گسترش فضایی شهرها و ادغام روستاها و اراضی پیرامونی آنها، یکی از پیامدهای مهم شهرنشینی شتابان است، که در مادرشهرهای منطقه‌ای نمود چشمگیری داشته است. شهرسندج به عنوان مادرشهر منطقه‌ای طی سه دهه اخیر رشد شتابانی هم در افزایش جمعیت و هم در گسترش سطح داشته است؛ به گونه‌ای که گسترش فضایی پیوسته این شهر طی دوره مذکور هشت روستا را با تمام زمین‌های زراعی، باغی و مراتع پیرامونشان در بافت خود ادغام کرده است. علاوه بر این، گسترش فضایی منفصل این شهر منجر به تورم جمعیتی و رشد کالبدی روستاهای پیرامونی شده است. نتیجه این فرایند تغییرات وسیع در کاربری اراضی این روستاها بوده است. دوره زمانی این پژوهش (۱۳۸۷-۱۳۵۵)، جامعه آماری آن بازده روستای پیرامونی شهرسندج و حجم نمونه‌ها ۳۱۵ خانوار می‌باشد. روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر مطالعات اسنادی و میدانی وسیع از جمله تکمیل پرسشنامه‌های خانوار و روستا، تعیین کاربری اراضی وضع موجود، گذشته و ... بوده است. نتایج این تحقیق نشان از سطح بالای تغییرات در کاربری اراضی روستاهای مورد مطالعه دارد. به گونه‌ای که طی دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۵۵ به طور متوسط سالیانه ۱۰۴ هکتار و در مجموع ۳۳۱۹ هکتار از اراضی زراعی، باغی و مراتع این روستاها تبدیل به کاربری‌های دیگر شده‌اند. تمام تغییرات یاد شده توسط عوامل و نیروهای مختلف شهرسندج و در جریان گسترش فضایی ناپیوسته این شهر صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: گسترش فضایی شهر، تغییر کاربری اراضی، آیش اجتماعی، روستای پیراشهری، شهرسندج

مقدمه

در پیرامون خود می‌شوند (Kirk, 2004: 1). در واقع یکی از مهمترین پیامدهای اولیه مهاجرت‌پذیری شهرها گسترش فضایی یا رشد کالبدی آنها و دست‌اندازی به فضاهای پیراشهری و به ویژه زمین‌های کشاورزی است. به گونه‌ای که در چند دهه اخیر بیشتر شهرهای کشور به گونه‌ای بی‌سابقه‌ای گسترش یافته‌اند. این گسترش کالبدی شهرها در بسیاری از موارد بیش از انفجار جمعیتی بوده است. یعنی نسبت افزایش سطح شهر بیش از نسبت افزایش جمعیت بوده است (اعتماد، ۱۳۷۸: ۱۶).

بنابراین چون شهرها با رشد جمعیت روبرو هستند، لذا نیازمند به فضای حیاتی بیشتری می‌شوند، اما نمی‌توانند فضای مناسبی را برای همه جمعیت افزوده شده فراهم کنند، در این صورت بخشی از جمعیت اضافه شده به شهر به پیرامون آن رانده می‌شوند، در این باره سکونتگاههای روستایی نزدیک به شهر اصلی‌ترین مکان جذب چنین جمعیتی هستند. بنابراین مهاجرت‌پذیری روستاها که پدیده‌ای نوین و مختص نیم قرن اخیر است (رضوانی، ۱۳۸۱: ۸۶)، در بیشتر روستاهای پیراشهری صورت می‌پذیرد. در اثر مهاجرت‌پذیری، جمعیت این روستاها به صورت فوق‌العاده‌ای افزایش می‌یابد و افزایش جمعیت باعث افزایش تقاضا برای زمین و مسکن و در نتیجه افزایش قیمت زمین‌های کشاورزی روستا و تغییر و تبدیل آنها به کاربری‌های مسکونی، خدماتی، صنعتی و ... می‌شود. بالطبع روستاییان زمیندار با شوق و ذوق به لحاظ کسب درآمدهای هنگفت، بدون کار و کوشش، به نوعی «رانت» روی می‌آورند. به این ترتیب که اراضی زراعی و باغی خود را با حفظ و حراست دقیق‌تر در تثبیت بیشتر مالکیت یا تصرف از گردونه اقتصاد کشاورزی خارج می‌کنند. به تدریج با فروش قسمت‌هایی یا حتی تمام زمین‌های روستاییان به متقاضیان (اعم از مهاجران وارده، بورس بازان زمین و ...) و نیز ساخت و سازهای قانونی و غیرقانونی، در نحوه کاربری

روند تحولات جمعیتی سکونتگاههای شهری و روستایی در ایران طی نیم قرن اخیر گواه بر کاهش نسبت جمعیت روستا به شهر است. به گونه‌ای که مطالعه سرشماری‌های رسمی ایران در پنجاه سال گذشته نشان می‌دهد که دقیقاً سهم جمعیت روستایی و شهری از کل جمعیت کشور به صورتی معکوس دگرگون شده است. به طوری که نسبت جمعیت روستایی و شهری به ترتیب از ۶۸/۵٪ و ۳۱/۵٪ در سال ۱۳۳۵ به ۳۱/۵٪ و ۶۸/۵٪ در سال ۱۳۸۵ تغییر یافته است (براساس داده‌های سالنامه آماری سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، مرکز آمار ایران). این دگرگونی‌های نسبی جمعیت در ایران نشان از رشد شتابان شهرنشینی، شهرشدگی روستاها، روستاگریزی، روند نامتعادل‌تر شدن توزیع فضایی جمعیت و ... دارد. در چنین جریانی به نظر می‌رسد چهار عامل عمده نقش آفرین بوده‌اند: (۱) حرکت انبوه مردم از روستاها به شهرها، (۲) تبدیل برخی روستاها به شهر، (۳) رشد طبیعی جمعیت شهرها (۴) گسترش کالبدی شهرها و به تبع آن ادغام روستاهای مجاور در فضای شهر (قادرمزی و افشاری، ۱۳۸۷: ۳).

عوامل چهارگانه یاد شده هر یک به تنهایی و یا در پیوند با یکدیگر و متأثر از نیروهای دافعه درون روستاها و نیروهای جاذبه شهرها اثرگذار بوده‌اند و خود معلول اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر کشور هستند. اما از چهار عامل فوق، سه عامل اول به طور مستقیم و غیرمستقیم منجر به گسترش فضایی پیوسته و ناپیوسته شهر در محیط پیرامون می‌شوند. به گونه‌ای که می‌توان گفت مهاجرت‌های وسیع به شهرها در هماهنگی با رشد طبیعی جمعیت آنها و شهرنشینی شتابزده‌ای حاصل از آن تنها موجب پدیدار شدن شهرهای بزرگ نمی‌شود، بلکه شهرها با پیشروی به سوی فضاهای زیستی اطراف خود، زمین‌های زراعی و باغی و در نهایت، محیط طبیعی را متأثر کرده و موجب دگرگونی روستاها و شکل‌گیری روستاهای در حال گذار و سکونتگاههای غیررسمی

رشد جمعیت شهری کشور و شهر سنج می‌باشد. به موازات افزایش شتابان جمعیت روستاها از یک سو و گسترش کالبدی شهر از سوی دیگر، مهمترین مسأله‌ی روستاهای یادشده کاهش سطح اراضی زراعی، باغی و مراتع و تغییر و تبدیل کاربری آنها است، که در نهایت چشم‌اندازهای غالباً طبیعی این گونه روستاها در معرض تغییر و تحول به کاربری‌های مصنوعی، یا به بیان دیگر عمدتاً انسان ساخت قرار گرفته است. بازگشت به مسائل مذکور این پژوهش با هدف توجه دادن محققان به روند تغییر و تبدیل کاربری زمین در روستاهای پیراشهری، در پی پاسخ به این سوال اساسی بوده است که مهمترین عوامل اثرگذار بر تغییر و تبدیل کاربری زمین در روستاهای پیرامون شهر سنج کدامند؟ و ابعاد و ساز و کار این تغییر و تحولات چگونه بوده است؟.

پیشینه موضوع

«مارسیا پی من تل» و همکاران، در پژوهشی در مورد ایالت کالیفرنیا در آمریکا نتیجه می‌گیرند که خطر تغییر و تبدیل اراضی کشاورزی با «بلعیده شدن»^۱ به وسیله مساکن، جاده‌ها، صنایع و ... و سوداگری زمین ادامه می‌یابد. به طوری که ایالت کالیفرنیا هر ساله سه درصد از وسعت اراضی کشاورزی خود را به دلایل فوق از دست می‌دهد. یافته‌های تحقیق آنها نشان داده است که اراضی کشاورزی تنها تلفات گسترش فضایی ناموزون شهری نیست، بلکه منابع طبیعی با اکوسیستم‌های بی‌نظیر و مزایای محیطی آنها قربانیان مهم‌تر گسترش فضایی شهرها هستند (al, 1998: 7-8 Pimentel & et).

«ادل من» و همکاران، یکی از سریع‌ترین رشد نواحی حومه‌ای را در پیرامون کلان‌شهر آتلانتا می‌دانند. به طوری که رشد عناصر شهری در پیرامون این کلان شهر پانصد ایکرا از اراضی کشاورزی را به فضاهای باز و بایر کاربری‌های مسکونی و شهری تبدیل کرده است (Edelman & et al, 1999: 3-4).

اراضی از کشاورزی به مسکونی، تجاری، صنعتی و ... تغییرات بنیادین در کاربری زمین روستایی رخ می‌دهد. رها گذاشتن زمینهای کشاورزی با اهداف یادشده را «آیش اجتماعی»^۱ زمین می‌گویند (Hartke, 206: 1956). بنابراین می‌توان گفت: آیش اجتماعی فرایندی است که طی آن زمین‌های کشاورزی را به مدت بیش از یک سال به آیش می‌گذارند و هدف از آن بایر کردن زمین دایر و خارج کردن آن از چرخه تولید اقتصاد کشاورزی، به منظور تغییر و تبدیل کاربری آن است. منفعت اقتصادی در این فرایند نقش اولیه و اساسی را داشته و پدیده معمول زمین‌های کشاورزی در فضای پیرامون شهرهاست (قادرمزی و افشاری، ۱۳۸۷: ۷۲). این اصطلاح که برای اولین بار توسط جغرافی‌دان صاحب نام آلمانی «ولفگنگ هارتکه» (۱۹۹۷-۱۹۰۸) به سال ۱۹۵۳ به کار گرفته و وارد ادبیات علمی جغرافیا شد (لوبو، ۱۳۵۴: ۲۳)، امروزه نقش آفرینی خود را بیش از پیش در روستاهای پیراشهری کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد. علاوه بر این متأثر از جمعیت قابل توجه مهاجر و از سویی گسترش فیزیکی شهر، جنگل‌ها، مراتع و دیگر منابع و چشم‌اندازهای طبیعی روستاهای پیرامون شهرها در معرض تغییر و تحول به کاربری‌های مصنوعی قرار می‌گیرد.

شهر سنج به عنوان یک مادرشهر منطقه‌ای طی سه دهه اخیر رشد شتابانی هم در افزایش جمعیت و هم در گسترش سطح داشته است. به گونه‌ای که گسترش فضایی پیوسته این شهر طی سه دهه سرشماری اخیر هشت روستا را با تمام زمین‌های زراعی، باغی و مراتع پیرامونشان در بافت خود ادغام کرده است. علاوه بر این، گسترش فضایی منفصل این شهر نیز منجر به تورم جمعیتی و رشد کالبدی روستاهای پیرامونی شده است. به گونه‌ای که جمعیت یازده روستای واقع در حوزه پیرامونی شهر سنج در دوره مذکور به میزان زیادی افزایش یافته است. و نرخ رشد جمعیت آنها تقریباً دو برابر نرخ

2 .Gobble

1 - Social Fallow

تنیس و مراکز اسب سواری (۴) پارک‌های تکنولوژی، (۵) کارخانه‌ها، صنایع و دیگر مراکز فعالیت (باستیه و دزر، ۱۳۸۲: ۲۱۹-۲۰۴).

«یوجی هارا» و همکاران در بررسی شهرنشینی و پیوند آن با کاربری اراضی کشاورزی بیان می‌کنند که ناحیه تحت تاثیر گسترش‌های شهری به عنوان ترکیبی از کاربری اراضی شهری و روستایی با یک روند شتابان در پیرامون اغلب شهرهای بزرگ آسیا در حال افزایش است. روند تغییرات کاربری زمین در چنین مناطقی بسیار شدید بوده و به طور جدی باعث ایجاد مشکلات زیست محیطی می‌شوند (et al, 2005; Yuji. H & 15-28).

«سباستیان مارتینوزی» و همکاران نشان می‌دهند که در «جزیره پرتوریکو» بیش از نیمی از گسترش‌های شهری در بیرون از محدوده‌های مراکز شهری و در نتیجه یک طرح نامناسب احیای اراضی اتفاق افتاده، که موجب خزش شهری در چهل درصد از سطح جزیره شده است. این پدیده باعث شده که بیش از یک چهارم از بهترین زمین‌های حاصلخیز برای کشاورزی به زیرساخت و سازبرود و فضاهای باز منطقه نیز به شدت تحت فشار قرار بگیرند. این خزش شهری در امتداد جاده‌های روستایی، مخصوصاً در اطراف شهرهای بزرگ مانند سان جوان دیده می‌شود (Martinuzzi. S, & et al, 2007: 288-297).

بنابراین گسترش شهر همیشه منجر به تغییر کاربری زمین می‌شود. حال ممکن است که این تغییر در زمین‌های زراعی و باغی صورت پذیرد و یا مراتع، جنگل‌ها و دامنه‌های کم و بیش شیب‌دار کوهها و تپه‌ها را دربرگیرد. در هر صورت آنچه حتمی است این است که در فرایند گسترش شهر مقداری زمین - به نسبت میزان گسترش شهر- تغییر کاربری داده شده و تبدیل به ساخت و سازهای شهری (معا، مسکن، پارک و ...) می‌گردد. زیرا جمعیت و کارکردهایی که در طول زمان به شهر افزوده شده یا به پیرامون منتقل می‌شوند، جهت استقرار در شهر یا پیرامون آن نیاز به زمین دارند (قادرمزی، ۱۳۸۳: ۳۷).

«کری‌گر» و همکاران، در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که گسترش فضایی ناموزون شهرها پدیده‌ای است که از نیمه دوم قرن بیستم در اکثر کشورهای جهان اتفاق افتاده است. به طوری که مادرشهرها با فشار در درون نواحی روستایی پیرامون رشد کرده و سکونتگاههای روستایی مورد مهاجرت سریع اغلب در درون مادرشهرها ادغام شده‌اند. علاوه بر این، در طول نیمه دوم قرن بیستم، مهاجرت به مرکز شهر وارونه شده و جمعیت به خارج از شهر و در داخل حومه‌ها سرریز شده است. این موضوع، به طور فزاینده‌ای مسائل کاربری اراضی شهری - روستایی را پیچیده‌تر کرده و به صورت مسأله‌ای اساسی در تغییر و تبدیل اراضی کشاورزی در نواحی پیرامونی مادرشهرها در آمده است (Krieger, 1999: 15-16).

«لانگو ماریو» معتقد است که گسترش فضایی ناموزون شهری از ویژگیهای شناخته شده بیشتر شهرهای کشورهای در حال توسعه و به ویژه آمریکای لاتین است، که چشم‌اندازی از فقر، اسکان غیررسمی و کاربری غیرقانونی زمین در حاشیه شهرها، فقدان یا کمبود شدید زیرساخت‌ها، امکانات و خدمات عمومی را نشان می‌دهد. در این کشورها فرآیند شهرنشینی با تأخیر صورت گرفته و در جریان آن، نفوذ سنتی و قوی شهرهای بزرگتر و سرمایه‌داری با الگوی کاملاً متمرکز، ظاهراً مقررات شهری را محدود کرده و موجب گسترش افقی بیش از حد شهرها شده است (Mario. L, 2001: 32-37).

«ژان باستیه و برنارد دزر» با برجسته کردن نقش «زمین» در توسعه شهری شهرهایی چون پاریس، بر این باورند که شتاب شهرسازی در مناطق پیراشهری نخست ناشی از بهای زمین و امکانات دستیابی به فضا و ساختمان سازی روی زمین‌های ارزان است و منطقه پیراشهری، بازتاب حقیقی فعالیت‌های شهر می‌باشد، که به چند صورت در جریان گسترش شهر مورد استفاده قرار می‌گیرد: (۱) خانه‌سازی افراد جوان و خانواده‌های کم‌درآمد (۲) خانه‌سازی ویلایی افراد با درآمد بالا (۳) پارک‌های تفریحی و زمین‌های گلف،

که همگی جزئی از اجزای یک شهر هستند که بیشتر آنها طی فرآیند خزش شهر در پیرامون از محدوده آن استقرار یافته‌اند. اگر سطح اشغال شده توسط چنین کاربری‌های شهری واقع در خارج از محدوده شهرها - که بسیار زمین بر هستند، را نیز به مساحت محدوده قانونی شهرهای کشور اضافه کنیم، به احتمال زیاد سطح اراضی اشغال شده توسط شهرهای کشور در حال حاضر حدود دو میلیون هکتار خواهد بود (قادرمرزی، ۱۳۸۸: ۴۱).

جامعه آماری و روش تحقیق

جامعه آماری این پژوهش یازده روستای واقع در پیرامون شهر سنج است، که این روستاها در زمان انجام مطالعات میدانی (تابستان ۱۳۸۷)، در مجموع دارای ۱۱۰۸۰ خانوار ساکن بوده‌اند. جهت تعیین حجم نمونه‌های آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران ۳۱۵ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

در این پژوهش از دو روش مطالعات اسنادی و میدانی استفاده شده است. در مطالعات میدانی علاوه بر مشاهده و مصاحبه اقدام به تکمیل دو نوع پرسشنامه خانوار و روستا شده است. همچنین به منظور مطالعه میزان تغییر و تبدیل کاربری اراضی روستاهای مورد مطالعه، اقدام به مطالعه تطبیقی از نظر زمانی و مکانی، از وضعیت روستاها شده است. به گونه‌ای که براساس نقشه‌های تهیه شده از عکس‌های هوایی سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۸۵ با مقیاس ۱:۲۵۰۰۰ و نقشه‌های ۱:۱۰۰۰ بافت کالبدی روستاها، اقدام به تعیین محدوده بافت روستاها در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۸۷ گردید. به این منظور با مراجعه به بخش‌های مختلف روستا، از اطلاعات مطلعین محلی شامل: ریش سفیدان متولد روستا، شوراها، اسلامی و افرادی که زمین‌های آنها یا پدرانشان تبدیل شده بود، برای به‌روزرسانی و تهیه نقشه‌های مورد نظر کمک گرفته شد. همچنین به منظور تعیین عوامل مختلف تغییر کاربری اراضی روستاها، نوع کاربری

در مورد ایران نیز مساحت ۱۷۰ شهر کوچک و بزرگ در سی استان کشور با دامنه جمعیتی از ۲۴۸۸ (نالوس در استان آذربایجان غربی) تا ۷۷۹۷۵۲۰ (تهران) نفر جمعیت در سال ۱۳۸۵ توسط نگارنده مورد مطالعه قرار گرفته است. کل جمعیت ۱۷۰ شهر یاد شده ۳۴۹۷۲۶۷۷ نفر (معادل ۷۳٪ جمعیت شهری کشور) و مجموع مساحت محدوده قانونی آنها ۷۴۳۱۱۲۱۱۰ متر مربع (معادل ۱۱/۷۴۳۱۱۲ هکتار) بوده است. یعنی سرانه شهری جمعیت شهرهای مذکور ۲۱۲/۴۸ مترمربع می‌باشد. در صورتی که این سرانه را به کل جمعیت شهری کشور (۴۸۲۴۵۰۷۵ نفر) تعمیم دهیم، می‌توان گفت: که در سال ۱۳۸۵ مجموع مساحت محدوده قانونی شهرهای کشور ۱۰۲۵۱۲۸۸۳۱۱ مترمربع (معادل ۱۰۲۵۱۲۸/۸۳ هکتار) بوده است (محاسبات نگارنده براساس اسناد موجود در آرشیو طرح‌های شهری وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی: ۱۳۸۷). نکته حایز اهمیت در این رابطه این است که مساحت مذکور فقط محدوده کالبدی موجود شهرها را در بر می‌گیرد، در حالی که شهرها و به‌ویژه شهرهای بزرگ تنها در داخل محدوده خود رشد نمی‌کنند، بلکه ساکنان شهرهای بزرگ در مناطق مادرشهری بزرگتر- از محدوده موجود شهر- پراکنده می‌شوند. این پراکنش جمعیتی نیز معمولاً منجر به شکل‌گیری سکونتگاه‌های خودرو در حاشیه شهرهای اصلی و مخصوصاً به صورت بزرگترشدن و تورم روستاهای از قبل موجود می‌شود. در واقع این سکونتگاه‌های خودرو و روستاهای پیراشهری به علت تقبل بخشی از کارکردهای شهری و به ویژه مسکونی بخشی از شهر هستند، که فقط به لحاظ کالبدی از شهر مجزا هستند. این موضوع زمانی بیشتر جلب توجه خواهد کرد که ما بپذیریم امروزه بسیاری از کارکردهای شهری به علت اینکه نیاز به زمین زیاد دارند، در محدوده‌هایی مجزا از محدوده قانونی شهر و در پیرامون آن شکل می‌گیرند، مانند: دانشگاهها، مراکز تحقیقاتی و اداری، گورستانها، مراکز فعالیتی مختلف، پارکها و دیگر تاسیسات و تجهیزات شهری

یاد شده مساحت محدوده قانونی شهر از ۳۹۷ هکتار به ۳۸۱۵ هکتار (رک؛ طرح بازنگری طرح جامع شهر سنندج، ۱۳۸۷) گسترش یافت. در واقع در دوره سی ساله ۱۳۸۵-۱۳۵۵ مساحت شهر سنندج نزدیک به ده برابر شده است. به عبارتی دیگر گسترش فضایی پیوسته این شهر طی دوره مذکور در کل ۳۴۱۸ هکتار و به طور متوسط سالیانه باعث تغییر کاربری ۱۱۴ هکتار از زمینهای زراعی، باغی و مراتع و تبدیل آنها به ساخت و سازهای شهری بوده است.

در واقع گسترش فیزیکی پیوسته شهر سنندج طی دوره مذکور فضاهای زیستی پیرامون (روستاها، زمینهای زراعی، باغی و مراتع) را به شدت دگرگون کرده است. به گونه‌ای که در این دوره هشت روستا با تمام زمینهای زراعی، باغی و مراتع پیرامونشان بر اثر «خزش شهر» در بافت شهر ادغام شده است (جدول ۲) و اکنون کوچکترین نشانه‌ای از ساختارهای روستایی خود را ندارند.

تغییرات در تراکم جمعیت	تغییرات مساحت		تغییرات جمعیت		سال
	متوسط نرخ رشد سالیانه	مساحت به هکتار	متوسط نرخ رشد سالیانه	تعداد جمعیت	
۲۴۱/۵	---	۳۹۷	---	۹۵۸۷۲	۱۳۵۵
۱۲۰/۱	۱۵/۶۷	۱۷۰۳	۷/۸۷	۲۰۴۵۳۷	۱۳۶۵
۷۹/۴	۷/۴۷	۳۵۰۰	۳/۱۱	۲۷۷۸۰۸	۱۳۷۵
۸۳/۴۰۴	۰/۸۶	۳۸۱۵	۱/۳۲	۳۱۶۸۳۲	۱۳۸۵
---	۷/۸۳	---	۴/۰۶	میانگین رشد دوره سی ساله	

جدول ۱: تغییرات جمعیت و مساحت شهر سنندج طی دوره

۱۳۵۵-۱۳۸۵

ماخذ: براساس سالنامه آماری استان کردستان ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ و

طرح جامع شهر سنندج، ۱۳۸۷

اعمال شده بر روی زمینهای روستاهای مورد مطالعه مشخص و در واقع، اقدام به تهیه نقشه تغییرات کاربری اراضی روستاها شده است.

یافته های پژوهش

گسترش فضایی شهر سنندج طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۷ شهر سنندج مرکز سیاسی- اداری استان کردستان به عنوان یک مادرشهر منطقه ای، نقش قطب مسلط جمعیتی، اقتصادی و سیاسی استان را دارد و به خاطر ساختار خاص در عرضه خدمات و امکانات مختلف نه تنها مکان مراجعه روستاییان، بلکه ساکنان سایر شهرهای استان و حتی شهرها و روستاهای خارج از استان می باشد. به طوری که شاید بتوان به بهترین نحو اصطلاح «غصب انحصاری تامین نیازها» (اهلرس، ۱۳۸۰: ۲۳۴) در منطقه را به آن نسبت داد.

بررسی تحولات جمعیتی شهر سنندج در سی سال اخیر نشان می دهد که جمعیت این شهر از ۹۵۸۷۲ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۳۱۶۸۳۲ نفر در سال ۱۳۸۵ (۳/۳ برابر) افزایش یافته و بیشترین میزان این رشد جمعیت در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ بوده است (جدول ۱). این دهه حداقل در سده اخیر اوج بحرانهای سیاسی و اجتماعی در ایران و به ویژه در کردستان می باشد. پیامدهای پس از اجرای اصلاحات ارضی، وقوع انقلاب اسلامی و ناآرامیهای حاصل از آن، جنگ تحمیلی، به همراه ناآرامیهای سیاسی منطقه به ویژه در شهر سنندج با حکومت اسلامی ایران و تمرکز تلاشهای بیشتر اداره‌های و سازمانهای دولتی استان برای مقابله با مخالفان، زمینه مناسبی برای مهاجرت به شهر و بهره‌گیری سوداگران زمین فراهم کرد تا به تصرف اراضی عمومی و مراتع پیرامون شهر بپردازند. از این رو بیشترین مهاجرت به شهر سنندج نیز در این دوره صورت گرفته است. به گونه‌ای که جمعیت شهر سنندج در این دهه با نرخ رشد بی سابقه ۸٪، ۲/۱۳ برابر افزایش یافته است.

بالتبع افزایش جمعیت این شهر رشد شتابانی در گسترش سطح نیز داشته است. به گونه‌ای که در دوره

بالا بودن قیمت زمین) همراه با موانع رشد کالبدی پیوسته شهر، فشارهای ناشی از آن را در نخستین مرحله به روستاهای مجاور شهر انتقال داده است که علاوه بر موارد یاد شده که پیامد گسترش فضایی پیوسته شهر سنندج بوده اند، گسترش فضایی ناپیوسته این شهر در سی سال اخیر همچنین منجر به رشد جمعیتی و تحولات کالبدی نسبتاً زیاد در روستاهای پیرامونی شهر شده است، که تغییرات در کاربری اراضی این روستاها اولین نمود چنین تغییر و تحولاتی است.

تغییرات کاربری اراضی روستاهای مورد مطالعه

شکل‌گیری نظام کاربری زمین در هر جامعه و نحوه تقسیم اراضی و استفاده از آن در فعالیتها و خدمات مختلف، بازتاب و برآیند عملکرد مجموعه‌ای از عوامل و نیروهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و طبیعی است (مهدی‌زاده، ۱۳۷۹: ۶۲). در واقع اوضاع اجتماعی، اقتصادی، اداری-سیاسی و ... در بیشتر موارد به طور مستقیم و غیرمستقیم عامل تعیین و تغییر کاربری زمین هستند. این عوامل طی دوره زمانی (۱۳۸۷-۱۳۵۵)، به اشکال گوناگون سبب دگرگونی در کاربری اراضی روستاهای پیرامون شهر سنندج شده و این تغییرات در یک فرایند فزاینده، بیشتر زمینهای زراعی، باغی و مراتع دور و نزدیک متعلق به این روستاها را در بر گرفته است. با توجه به عوامل موثر و نحوه تاثیرگذاری آنها، روندهای تغییر در کاربری اراضی روستاهای پیرامونی شهر سنندج در سه سطح زیر طبقه‌بندی شده و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند؛

الف) تغییر در کاربری اراضی به علت افزایش محدوده بافت کالبدی روستاها:

مقایسه مساحت محدوده روستاهای مورد مطالعه در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۸۷ نشان از افزایش بسیار زیاد سطح این روستاها دارد. به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۵ مجموع مساحت روستاهای یاد شده

ردیف	نام روستا	آخرین جمعیت رسمی ثبت شده از روستا		دوره زمانی ادغام در شهر
		تعداد	سال سرشماری	
۱	کمیز	۵۰۹	۱۳۵۵	۱۳۶۵-۱۳۵۵
۲	حاجی آباد	۱۴۵۷	۱۳۵۵	۱۳۶۵-۱۳۵۵
۳	مبارک آباد	۱۰۹	۱۳۵۵	۱۳۶۵-۱۳۵۵
۴	فرجه	۲۱۸۲	۱۳۶۵	۱۳۷۵-۱۳۶۵
۵	قرادیان	۱۲۴۰	۱۳۶۵	۱۳۷۵-۱۳۶۵
۶	خانقاه سنندج	۳۱۷	۱۳۷۵	۱۳۸۰-۱۳۷۵
۷	دگایران	۱۳۹۱	۱۳۷۵	۱۳۸۰-۱۳۷۵
۸	قشلاق	۱۱۰۸	۱۳۷۵	۱۳۸۰-۱۳۷۵

جدول ۲: روستاهای ادغام شده در بافت شهر سنندج طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۵
ماخذ: براساس شناسنامه آبادی‌های استان کردستان ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ و مطالعات میدانی ۱۳۸۷

تردیدی نیست که تمرکز اقتصادی، سیاسی، جمعیتی، فرهنگی، اداری و خدماتی در شهر سنندج زمینه اشتغال نسبتاً وسیعی را در این شهر فراهم کرده است، که با دیگر شهرها و روستاهای استان تفاوت زیادی دارد. چنین تمرکزی باعث گسترش روابط این شهر به عنوان مرکز استان با دیگر شهرها و روستاهای استان کردستان و حتی استانهای همجوار شده، کارکردهای شهری آن را افزایش داده و در نتیجه نیازهای فضایی درون شهر را بالا برده است. محدودیت فضایی موجود درون شهر (به‌ویژه

زیادی از مساحت روستاهای مورد مطالعه را به خود اختصاص داده است. به طوری که زمین های بایر بیش از ۴۶٪ مجموع مساحت محدوده ی روستاها را در برمی گیرد (جدول ۹).

در جریان گسترش فضایی روستاها و افزایش محدوده آنها باغ ها، زمین های زراعی و مراتع نسبتاً زیادی دچار تغییر و تبدیل کاربری شده اند. به گونه ای که طی دوره زمانی (۱۳۸۷-۱۳۵۵) در کل ۱۴۸/۷۳ هکتار باغ و ۲۹۳/۷۸ هکتار زمین زراعی، طی فرایند گسترش محدوده روستاها تغییر کاربری داده شده، به ساخت و سازهای انسانی تبدیل و در بافت روستاها ادغام گشته است. همچنین، نبود مدیریت و کنترل جدی بر نحوه نگهداری از مراتع، سطح نسبتاً زیادی از تغییر و تبدیل کاربری مراتع و الحاق آن به محدوده روستاها توسط سودجویان و مهاجران وارد شده را نشان می دهد. به گونه ای که طی دوره مذکور ۸۳/۱۴ هکتار مرتع مشمول تغییر و تبدیل کاربری شده و درون بافت کالبدی روستاهای یاد شده قرار گرفته است (جدول ۳).

ب) تغییر در کاربری اراضی پیرامون متصل به بافت روستاها

این نوع تغییر کاربری در زمینهای خارج از محدوده بافت کالبدی روستاها ولی به صورت پیوسته با آن صورت گرفته است. بخشی از این تغییرات کاربری توسط مالکان اراضی کشاورزی باهدف افزایش قیمت و فروش این زمین ها صورت گرفته و در واقع به آیش اجتماعی گذاشته شده است. اما بیشترین سطح از این نوع تغییرات توسط کاربری های جدیدی مانند پادگانها، صنایع، تعاونی های مسکن، تاسیسات و تجهیزات و ادارات شهر سنندج اعمال شده است. در روند این تغییرات کاربری درکل ۸۸۰/۶۹ هکتار زمین زراعی، ۱۷۶/۸۲ هکتار مرتع و ۶۷/۶۸ هکتار باغ تبدیل به کاربری های دیگر شده اند (جدول ۱۰).

۳۵/۸۶ هکتار بوده که تا سال ۱۳۸۷ به ۶۱۰/۸۶ هکتار گسترش یافته است (جدول ۳ و نقشه های ۱و۲). علت اساسی افزایش محدوده این روستاها ازدیاد فوق العاده جمعیت آنها بوده که ناشی از مهاجرپذیری می باشد (جدول ۴). به گونه ای که ۸۸٪ خانوارهای مورد مطالعه این تحقیق، مهاجران وارد به روستا هستند (جدول ۵) و اغلب این مهاجران به طور مستقیم از شهر سنندج وارد روستاهای پیرامونی آن شده اند (جدول ۶). همچنین بررسی محل کار سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه نشان از نقش سکونت - خوابگاهی روستاهای مورد مطالعه برای بخشی از شاغلان شهر سنندج و مراکز فعالیتی پیرامون آن دارد. به گونه ای که بیش از ۷۶٪ شاغلان روستاهای یاد شده در شهر سنندج و مراکز فعالیتی اطراف آن مشغول به کار هستند (جدول ۷)، که اغلب به علت نزدیکی روستاهای مورد مطالعه به شهر سنندج و مراکز فعالیتی پیرامون آن و تفاوت در هزینه های اجاره و تامین زمین و مسکن نسبت به شهر، به این روستاها مهاجرت کرده اند. مسلماً اولین نیاز مهاجران برای سکونت در روستا مسکن بوده، به همین جهت بیشترین تقاضای خرید زمینهای درون بافت روستاها نیز توسط آنان صورت گرفته است. بنابراین تقاضا برای زمین جهت احداث مسکن و ... بسیار زیاد بوده، در نتیجه قیمت زمین در روستاهای مورد مطالعه افزایش فوق العاده ای داشته است، به طوری که طی دوره زمانی (۱۳۸۷-۱۳۵۵)، میانگین قیمت زمین در این روستاها، ۳۷۴۳ برابر افزایش یافته است (جدول ۸). همچنین سیر صعودی قیمت های زمین در این روستاها طی دوره یاد شده باعث ایجاد و رونق بورس بازی و سوداگری زمین گردید. به همین خاطر بسیاری از کشاورزان ضمن بایر کردن اراضی زراعی و تخریب کاربری باغ ها (تصاویر ۱و۲)، به امید افزایش قیمت، آنها را به صورت بایر نگه می دارند. به عبارتی دیگر زمینهای کشاورزی را به «آیش اجتماعی» می گذارند. این اراضی بایر سطح نسبتاً

نام روستا	نایسر	حسن آباد	ننله	دوشان	باباریز	گریزه	آساوله	قار	سرخه دزج	برازان	آجگوه	جمع کل
مساحت محدوده روستا در سال ۱۳۵۵	۴/۹۲	۷/۱۱	۲/۰۵	۲/۵۸	۶/۷۴	۱/۵۷	۱/۱	۲/۴۷	۳/۰۶	۱/۸۶	۲/۴	۳۵/۸۶
مساحت محدوده روستا در سال ۱۳۸۷	۲۵۷/۶۴	۱۴۶/۲۸	۴۵/۹۰	۳۱/۵۵	۴۰/۲۷	۱۸/۷۷	۱۹/۹۲	۲۱/۲	۱۵/۱	۹/۲۳	۵	۶۱۰/۸۶
میزان افزایش محدوده	۲۵۲/۷۲	۱۳۹/۱۷	۴۳/۸۵	۲۸/۹۷	۳۳/۵۳	۱۷/۲	۱۸/۸۲	۱۸/۷۳	۱۲/۰۴	۷/۳۷	۲/۶	۵۷۵
نوع اراضی تغییر کاربری یافته	باغ	۴۹/۸۱	۵۵/۲۵	۲/۷۸	۱۳/۳۳	۵/۷۶	۳/۲۸	۲/۶	۳/۴۴	۰/۸	۰	۱۴۸/۷۳
	زراعی	۱۷۰/۱۹	۳۸/۷۴	۲۸/۷۲	۶/۳۲	۵/۵۷	۹/۹۱	۱۵/۴	۰/۸۳	۶/۲	۱/۴	۲۹۳/۷۸
	مرتع	۱۴/۸۶	۲۵/۲۰	۸/۸۳	۵/۸۹	۱۵/۷	۰	۳/۷۳	۰	۷/۷۳	۱/۲	۸۳/۱۴
	مجموع	۲۳۴/۸۶	۱۱۹/۱۹	۴۰/۳۳	۲۵/۵۴	۳۲/۹۵	۱۶/۲۶	۱۶/۹۲	۱۸	۱۲	۷	۲/۶

جدول ۳: میزان تغییرات کاربری زمین روستاهای پیرامون شهر سنندج بر اثر گسترش بافت روستا طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۷ (به هکتار)
ماخذ: نگارنده، براساس پرسشنامه روستا و مطالعه های میدانی بر روی نقشه های ۱:۲۵۰۰۰ سالهای ۱۳۵۴، ۱۳۸۵ و نقشه های ۱:۱۰۰۰ سال ۱۳۸۷.

ردیف	نام روستا	سال ۱۳۵۵	سال ۱۳۶۵	سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۸۵	سال ۱۳۸۷	میزان افزایش جمعیت
۱	نایسر	۳۵۳	۴۴۶	۹۳۸	۱۳۲۶۵	۱۸۹۷۲	+ ۱۸۶۱۹
۲	حسن آباد	۱۴۴۰	۱۷۵۴	۲۹۵۶	۷۴۶۹	۹۱۴۸	+ ۷۷۰۸
۳	ننله	۱۴۹	۱۹۰	۷۱۱	۳۸۷۰	۴۵۷۳	+ ۴۴۲۴
۴	دوشان	۵۲۵	۷۹۰	۱۱۰۲	۲۰۰۵	۲۶۳۸	+ ۲۱۱۳
۵	باباریز	۹۹۰	۱۱۰۱	۱۲۵۵	۱۵۰۶	۱۵۵۲	+ ۵۶۲
۶	گریزه	۹۵	۲۴۱	۴۴۶	۱۳۱۹	۲۱۸۹	+ ۲۰۹۴
۷	آساوله	۱۱۰	۲۰۸	۵۲۳	۸۷۰	۱۴۰۰	+ ۱۲۹۰
۸	قار	۳۴۱	۴۸۹	۱۱۰۸	۶۸۵	۸۷۷	+ ۵۳۶
۹	سرخه دزج	۳۳۶	۲۶۸	۳۹۹	۵۱۲	۵۶۴	+ ۲۲۸
۱۰	برازان	۱۶۱	۱۹۲	۲۰۳	۳۴۸	۴۹۷	+ ۳۳۶
۱۱	آجگوه	۲۰۷	۲۴۷	۲۶۷	۲۸۷	۲۸۶	+ ۷۹
	جمع	۴۷۰۷	۵۹۲۶	۹۹۰۸	۳۲۱۳۶	۴۲۶۹۶	+ ۳۷۹۸۹
	نرخ رشد	۲/۳۳		۵/۲۷	۱۲/۴۹	۱۵/۲۶	سی و دو ساله ۷/۱۳

جدول ۴: تغییرات جمعیتی روستاهای حریم شهر سنندج طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۷
ماخذ: براساس شناسنامه آبادی های شهرستان سنندج - ۱۳۷۵ و ۱۳۵۵ و خانه بهداشت روستاهای مورد مطالعه ۱۳۸۷

ردیف	محل سکونت قبلی سرپرست خانوار	تعداد	درصد
۱	شهر سنندج	۱۶۷	۶۰/۵
۲	دیگر شهرهای استان کردستان	۱۸	۶/۵
۳	روستاهای شهرستان سنندج	۴۳	۱۵/۶
۴	دیگر روستاهای استان کردستان	۴۸	۱۷/۴
	جمع	۲۷۶	۱۰۰

جدول ۶: محل سکونت قبلی خانوارهای مهاجر ساکن در روستاهای

مورد مطالعه تا سال ۱۳۸۷

ماخذ: براساس پرسش نامه خانوار، ۱۳۸۷

ردیف	محل تولد سرپرست خانوار	تعداد	درصد نسبی
۱	شهر سنندج	۹۸	۳۱/۱
۲	دیگر شهرهای استان کردستان	۶۲	۱۹/۷
۳	روستاهای شهرستان سنندج	۴۸	۱۵/۲
۴	دیگر روستاهای استان کردستان	۶۸	۲۱/۶
۵	این روستا	۳۹	۱۲/۴
	جمع	۳۱۵	۱۰۰

جدول ۵: محل تولد سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه، تا سال ۱۳۸۷

ماخذ: براساس پرسش نامه خانوار، ۱۳۸۷

محل کار	تعداد	درصد نسبی	درصد تجمعی
شهر سنندج	۱۹۰	۶۰/۳۲	۶۰/۳۲
کارگاهها، کارخانه ها و اداره های پیرامون شهر سنندج	۵۱	۱۶/۲	۷۶/۵۲
سایر	۲۱	۶/۶۶	۸۳/۱۸
روستای محل سکونت	۵۳	۱۶/۸۲	۱۰۰
جمع	۳۱۵	۱۰۰	---

جدول ۷: محل کار شاغلان ساکن در روستاهای پیرامون شهر سنندج در سال ۱۳۸۷

ماخذ: براساس پرسش نامه خانوار، ۱۳۸۷

سال	سال ۱۳۵۵	سال ۱۳۶۵	سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۸۰	سال ۱۳۸۷	تغییرات دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۷
قیمت زمین	۱۷	۸۲	۱۰۲۷	۳۴۰۹	۶۳۶۳۶	۳۷۴۳ برابر

جدول ۸: میانگین تغییرات قیمت زمین (به تومان) درون بافت روستاهای پیرامون شهر سنندج طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۷

ماخذ: براساس پرسش نامه روستا، ۱۳۸۷

نام روستا	نایسر	حسن آباد	ننله	دوشان	باباریز	گریزه	آساوله	قار	سرخه دزج	برازان	آجگره	جمع کل
مساحت محدوده روستا در سال ۱۳۸۷	۲۵۷/۶۴	۱۴۶/۲۸	۴۵/۹۰	۳۱/۵۵	۴۰/۲۷	۱۸/۷۷	۱۹/۹۲	۲۱/۲	۱۵/۱	۹/۲۳	۵	۶۱۰/۸۶
مساحت اراضی بایر درون بافت روستا	۱۴۰/۵۸	۷۵/۹۱	۹/۴	۵/۶	۱۱/۲۳	۷/۵	۷/۴	۱۲/۸	۸	۴/۹	۱/۶	۲۸۴/۹۲
نسبت اراضی بایر به مساحت کل روستا	۵۴/۶	۵۱/۹	۲۰/۵	۱۷/۷	۲۷/۹	۴۰	۳۷/۱	۶۰/۴	۵۲/۹	۵۳/۱	۳۲	۴۶/۶

جدول ۹: میزان تغییرات کاربری زمین روستاهای پیرامون شهر سنندج بر اثر گسترش بافت روستا طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۸۷ (به هکتار)

ماخذ: نگارنده، براساس مطالعات میدانی بر روی نقشه های ۱:۱۰۰۰ تابستان ۱۳۸۷



تصویر ۱: تخریب زمین زراعی
در روستای قار، ۱۳۸۷.



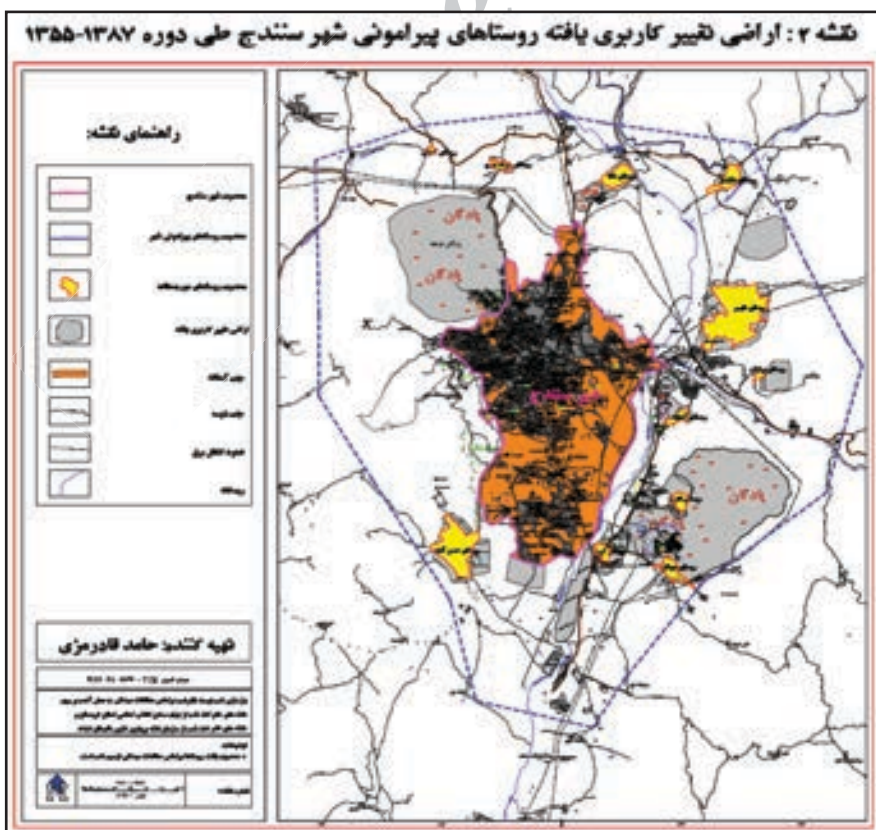
تصویر ۲: تخریب باغ در
روستای حسن آباد، ۱۳۸۷.

پادگانها، صنایع پراکنده، شرکتهای صنعتی، تعاونی های مسکن و تأسیسات و تجهیزات شهر سنندج اعمال شده است. در روند این تغییرات در مجموع ۱۶/۱۶۱۹ هکتار اراضی زراعی، باغی و مرتع تغییر کاربری یافته و تبدیل به کاربری های دیگر شده اند (جدول ۱۰ و نقشه ۲).

به طور کلی در روند تغییرات کاربری اراضی روستاهای پیرامونی شهر سنندج طی دوره (۱۳۸۷-۱۳۵۵) که در واقع در نتیجه انتقال بخشی از ساختار و کارکرد شهر سنندج به روستاهای پیرامون آن اتفاق افتاده است، درکل ۳۳/۳۳۱۹ هکتار زمین زراعی، باغ و مرتع تغییر کاربری یافته و به سایر کاربری ها تبدیل شده اند. بیشترین سطح این تغییرات به ترتیب در روستاهای قار، دوشان، نایسر، حسن آباد و گریزه اتفاق افتاده است (همان).

پ) تغییر در کاربری اراضی پیرامون منفصل از بافت روستاها

این نوع تغییر کاربری در اراضی خارج از بافت کالبدی روستاها و با فاصله از آن صورت گرفته است. در این نوع دگرگونی های کاربری زمین، کاربری های جدید به صورت جداگانه و مانند "لکه های روغن" (ر. ک به: باستیه و دزر، ۱۳۸۲: ۲۱۹-۲۰۴) بر روی اراضی زراعی، باغی و مراتع روستاهای پیرامونی شهر سنندج پخش شده اند. به جز چند مورد نسبتاً کوچک مانند دامداری، مرغداری و استخرهای پرورش ماهی که در مجموع مساحت آنها کمتر از شش هکتار می باشد، کل این تغییرات کاربری اراضی توسط ادارات، شرکتهای و سازمانهای دولتی مستقر در شهر سنندج انجام گردیده است. بیشترین میزان تغییرات در کاربری زمینهای منفصل از بافت روستاهای یاد شده توسط



ردیف	نام روستا	تغییر کاربری در اثرافزایش بافت کالبدی روستا	تغییر کاربری زمین در پیرامون متصل به بافت کالبدی روستا	تغییر کاربری زمین در پیرامون منفصل از بافت کالبدی روستا	
				عمده‌ترین کاربری‌های جدید	مساحت
۱	نایسر	۲۵۲/۷۲	۱۳۵/۵۱	صنایع پراکنده، انبار، پست برق شهرسندج و ...	۸۸/۰۲
۲	حسن آباد	۱۳۹/۱۷	۱۱۱/۵۹	تعاونی‌های مسکن شهرسندج، صنایع پراکنده و ...	۹۶/۸۵
۳	ننله	۴۳/۸۵	۶۳/۱۹	صنایع پراکنده، تصفیه خانه آب شهر سندج و ...	۲۸/۸۳
۴	دوشان	۲۸/۹۷	۳۱۸/۴	پادگان، تعاونی‌های مسکن شهرسندج و ...	۱۳۸/۲۷
۵	باباریز	۳۳/۵۳	۲۹/۸۷	مجتمع گاوداری‌ها و گلخانه‌های شهرسندج، صنایع پراکنده و ...	۱۹۵/۶۸
۶	گریزه	۱۷/۲۰	۱۲۹/۹۵	فرودگاه سندج، صنایع پراکنده، انبارها، ادارات سندج و ...	۱۶۰/۴۰
۷	آساوله	۱۸/۸۲	۷/۶۶	شهرک صنعتی سندج، گورستان بهشت محمدی سندج، پادگان، صنایع پراکنده و ...	۱۴۲/۶۵
۸	قار	۱۸/۷۳	۲۴۹	پادگان، صنایع پراکنده، تعاونی‌های مسکن شهرسندج، مجتمع فرهنگی و ...	۷۳۵/۰۲
۹	سرخه دزج	۱۲/۰۴	۵	صنایع، تعاونی‌های مسکن شهرسندج و ...	۳/۸۳
۱۰	برازان	۷/۳۷	۷۵	مجتمع صنعتی، صنایع پراکنده، ادارات شهرسندج و ...	۲۴/۶۴
۱۱	آجگره	۲/۶	۰	صنایع پراکنده و ...	۴/۹۷
	جمع	۵۷۵	۱۱۲۵/۱۷	تعاونی‌های مسکن، پادگانها، صنایع، تأسیسات و تجهیزات شهرسندج و ...	۱۶۱۹/۱۶

جدول ۱۱: تغییرات فاصله روستاهای پیرامونی از شهر سندج (به متر)، طی دوره ۱۳۸۷ - ۱۳۵۵

ماخذ: براساس نقشه ۱:۲۵۰۰۰ سندج (۱) و (۲) سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، نقشه ۱:۲۵۰۰۰ برگ ۳۳ سندج سازمان نقشه برداری کشور

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

روستاهای یازده‌گانه مورد مطالعه در حال حاضر به لحاظ فاصله مکانی نزدیکترین روستاها به شهر سندج هستند، که این موقعیت روستاها، مهمترین علت مهاجریپذیری و رشد شتابان جمعیت آنها بوده است. به گونه ای که جمعیت این روستاها طی دوره (۱۳۸۷-۱۳۵۵) با نرخ رشد ۷/۱۳٪ برابر افزایش یافته، که این میزان افزایش بسیار بیشتر از نرخ رشد جمعیت شهری و روستایی استان کردستان و کشور در سه دهه اخیر می‌باشد. از پیامدهای این رشد شتابان جمعیت در روستاهای پیرامونی شهر سندج، افزایش تقاضا برای زمین بوده است،

که در سال ۱۳۵۵ میانگین فاصله روستاهای یاد شده از شهر سنندج ۶۹۷۱ متر بوده، در حالی که تا سال ۱۳۸۷ این فاصله به ۳۱۳۰ متر کاهش یافته است. به بیان دیگر طی دوره سی و دو ساله اخیر، روستاهای پیرامونی شهر سنندج به طور متوسط ۳۸۴۱ متر (۳/۸ کیلومتر) به شهر سنندج نزدیک تر شده اند (جدول ۱۱). برخی روستاها مانند گریزه و حسن آباد به ترتیب با دو بیست و هشتصد متر فاصله از شهر، به شدت در معرض ادغام در محدوده شهر هستند (نقشه های ۲ و ۱).

ردیف	نام روستا	فاصله از شهر در سال ۱۳۵۵	فاصله از شهر در سال ۱۳۸۷	میزان تغییرات فاصله روستاها از شهر
۱	نایسر	۶۳۳۰	۱۸۰۰	- ۴۵۳۰
۲	حسن آباد	۵۹۵۰	۸۰۰	- ۵۱۵۰
۳	ننله	۴۵۴۰	۱۵۶۰	- ۲۹۸۰
۴	دوشان	۷۳۱۰	۲۶۰۰	- ۴۷۱۰
۵	باباریز	۹۰۴۰	۶۶۵۰	- ۲۳۹۰
۶	گریزه	۵۰۲۰	۲۰۰	- ۴۸۲۰
۷	آساوله	۵۴۲۰	۲۰۰۰	- ۳۴۲۰
۸	قار	۸۴۲۰	۳۵۰۰	- ۴۹۲۰
۹	سرخه دزج	۵۴۹۰	۳۷۸۰	- ۱۷۱۰
۱۰	برازان	۸۶۶۰	۳۶۵۰	- ۵۰۱۰
۱۱	آجگره	۱۰۵۰۰	۷۹۰۰	- ۲۶۰۰
	میانگین	۶۹۷۱	۳۱۳۰	- ۳۸۴۱

جدول ۱۱: تغییرات فاصله روستاهای پیرامونی از شهر سنندج (به

متر)، طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۵۵

ماخذ: براساس نقشه ۱:۲۵۰۰۰ سنندج (۱) و (۲) سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح،

نقشه ۱:۲۵۰۰۰ برگ ۳۳ سنندج سازمان نقشه برداری کشور

تقاضایی که در واقع از «انعکاس مطلوبیت استفاده از زمین» (Balchin, 1995, 48) نشأت گرفته و مطلوبیتی که تنها به خاطر مجاورت مکانی با شهر قابل توجیه است. به این صورت قیمت زمین در این روستاها به صورت فوق العاده ای افزایش یافت، که منجر به سوداگری و بورس بازی زمین و مسکن و در نتیجه آیش اجتماعی و تغییر کاربری زمینهای کشاورزی، مراتع و چشم اندازهای طبیعی درون و پیرامون روستاهای مورد مطالعه گردید. به گونه ای که طی دوره یاد شده در کل ۳۳/۳۳ هکتار زمین زراعی، باغ و مرتع تغییر کاربری یافته و به سایر کاربری ها تبدیل شده اند. مهمترین و بیشترین این تغییرات توسط امور شهری (صنایع، پادگانها، تعاونی های مسکن اداره ها، تأسیسات و تجهیزات و ...) و سپس مهاجران وارد شده از شهر اعمال شده است. در واقع این روستاها با جذب بخشی از سرریز جمعیت و کارکردهای شهر سنندج، تبدیل به عرصه ای تکمیلی برای بخشی از کارکردهای شهر مانند: سکونت، صنعتی، خدماتی و ... شده اند. از این رو می توان گفت که افزایش جمعیت، گسترش سطح و به تبع آن تغییر کاربری اراضی روستاهای مورد مطالعه در واقع بخشی از افزایش جمعیت و گسترش فضایی سطح شهر سنندج است که طی فرآیند خزش شهری به صورت منفصل از شهر در روستاهای پیرامون آن اتفاق افتاده است.

در نهایت پیامد افزایش بسیار زیاد جمعیت روستاهای پیرامونی شهر و در نتیجه گسترش سطح آنها از یک سو و رشد و گسترش محدوده شهر سنندج از سوی دیگر، باعث کم شدن فاصله بین این روستاها با شهر شده است. تداوم چنین وضعیتی به تدریج باعث از بین رفتن فاصله میان روستاها با شهر و سپس مانند روستاهای هشت گانه مندرج در جدول دو، موجب ادغام روستاها در فضای شهر خواهد شد. مقایسه تغییرات فاصله روستاهای مورد مطالعه در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۸۷ براساس نقشه های یک و دو تاییدی بر ادعای فوق می باشد. به گونه ای

منابع:

۱. اعتماد، گیتی (۱۳۷۸)، توسعه شهری و کاربری بهینه زمین، مجموعه مقالات همایش زمین و توسعه شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۲. اهرس، اکارت (۱۳۸۰)، سرمایه‌داری بهره‌بری و تکوین شهر در شرق اسلامی (نمونه ایران)، در مجموعه مقالات ایران: شهر- روستا- عشایر، ترجمه عباس سعیدی، چاپ اول، نشر منشی، تهران.
۳. باستیه، ژان و برنارد دزر (۱۳۸۲)، شهر، ترجمه علی اشرفی، انتشارات دانشگاه هنر، چاپ دوم، تهران.
۴. خانه‌بهداشت روستاهای نایسر (۱۳۸۷)، حسن آباد، نله، دوشان، باباریز، گریزه و سرخه دزج، تابستان ۱۳۸۷.
۵. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۱)، تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳.
۶. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۷۰)، نقشه ۱:۲۵۰۰۰ سنندج (۱)، تهیه شده براساس عکس‌های هوایی سال ۱۳۵۴، چاپ اول، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول، تهران.
۷. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۷۰)، نقشه ۱:۲۵۰۰۰ سنندج (۲)، تهیه شده براساس عکس‌های هوایی سال ۱۳۵۴، چاپ اول، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول، تهران.
۸. سازمان مسکن و شهرسازی استان کردستان (۱۳۸۷)، طرح بازنگری طرح جامع شهر سنندج، سنندج.
۹. سازمان نقشه برداری کشور (۱۳۸۴)، نقشه ۱:۲۵۰۰۰ برگ ۳۳ سنندج، چاپ اول، انتشارات سازمان نقشه‌برداری کشور به صورت فایل dwg
۱۰. قادرمزی، حامد و افشاری، مریم (۱۳۸۷)، تحلیل تطبیقی تحولات شهرنشینی و روستانشینی منطقه زاگرس طی نیم قرن اخیر، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های سنتی زاگرس، دانشگاه کردستان، سنندج.
۱۱. قادرمزی، حامد و افشاری، مریم (۱۳۸۷)، تحولات کالبدی روستاهای پیراشهری در فرایند تعاملات روستا- شهری؛ نمونه موردی روستاهای حسن آباد و نایسر سنندج، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۲۲، تهران.
۱۲. قادرمزی، حامد (۱۳۸۳)، نقش روستاشهرها در توسعه روستاهای پیرامونی؛ مطالعه موردی روستاشهر دهگلان، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۳. قادرمزی، حامد (۱۳۸۸)، تحولات ساختاری- کارکردی روستاهای حریم شهر سنندج در فرایند گسترش فضایی شهر (طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۵۵)، رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۴. لوبو، پیر (۱۳۵۴)، بنیان‌های بزرگ زراعی در جهان، ترجمه محمود محمودی، انتشارات دانشگاه آذربایجان (تبریز)، چاپ اول، تبریز.
۱۵. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کل کشور، سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.
۱۶. مرکز آمار ایران (۱۳۵۵)، فرهنگ آبادی‌های کشور، استان کردستان، تهران.
۱۷. مرکز آمار ایران (۱۳۶۵)، فرهنگ آبادی‌های کشور، شهرستان سنندج، استان کردستان، تهران.
۱۸. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، شناسنامه آبادی‌های کشور، شهرستان سنندج، استان کردستان، تهران.
۱۹. مهدی‌زاده، جواد (۱۳۷۹)، برنامه‌ریزی کاربری زمین، تحول در دیدگاهها و روشها، فصل نامه

- Work and play. NAHB policy Statement. National Association of Home Builders. Washington, D.C. USA. 4-12.
9. Yuji Hara, Kazuhiko Takeuchi, Satoru Okubo, (2005), Urbanization linked with past agricultural land use patterns in the urban fringe of a deltaic Asian mega-city: a case study in Bangkok, *Landscape and Urban Planning*, n. 73.
- مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، تهران.
۲۰. وزارت کشور (۱۳۸۷)، آرشیو طرح های شهری.
۲۱. وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۷)، آرشیو طرح های شهری.
1. Balchin. P. N & others (1995), *Urban Land Economics and Public Policy*, fifth ed, Mcmillan.
 2. Edelman, M. A, & et al, (1999), *Land use conflict: when city and country clash* Kettering Foundation USA, 1-13.
 3. Hartke, W, (1956), *Die Socialbrakhe als phaenomen der geograpischen Differenzierung der Land wirtschabt*. In: *Erdkunde* 10.5.257-269.
 4. Kirk, M, (2004), *Ensuring Efficient Land Management in peri-urban Areas*, (PPT), World Bank Group- Land Policy & Administration, www.inweb18.worldbank.org/ESSD/essdext.nsf.
 5. Krieger. Douglas J. (1999), *Saving Open Spaces Public Support for Farmland Protection*. American Farmland Trust, Center for Agriculture in the Environment.
 6. Mario. Lungo, (2001), *Urban Sprawl and Land Regulation in Latin America*, *Land Lines*, Volume 13, N.2.
 7. Martinuzzi. Sebasti'an, William A. Gould, Olga M. Ramos Gonz'alez, (2007), *Land development, land use, and urban sprawl in Puerto Rico, integrating remote sensing and population census data*. *Landscape and Urban Planning*. No. 79.
 8. Pimentel, Marcia, & et al, (1999), *Start Growth: Building Better Place to Live*